

## سیاستهای ضد ایرانی دولت باکو: هدف: آذری های ایران یا آذری های جمهوری آذربایجان

ایران و ایرانی حتی در موقع گستاخی قوم گرایان آذری و حمایت مستقیم و غیر مستقیم دولت جمهوری آذربایجان از این گستاخان از یاد نمی برد که قره باغ خاک اسلام است و باید آزاد شود

G/سرویس آذربایجان

### سیاستهای ضد ایرانی دولت باکو: هدف: آذری های ایران یا آذری های جمهوری آذربایجان

«قره باغ» با حدود یک میلیون آواره آذری تبار مسلمانان که به تحریک روسیه و تشویق امریکا و فرانسه، دو دستی به ارمنستان تقدیم می شود، تجسم امروزین کوزوو است با آواره های مسلمان آلبانیایی تبارش که قربانی فساد و تجاوز گری صرب ها بودند. ارمنی ها که خود را قربانی ترک های عثمانی می دانند، سالهاست از آذری های مسلمان انتقام می گیرند؛ اما نه برای روسای دولت و نه برای نمایندگان پارلمان جمهوری آذربایجان، این موضوع جای اندوه و نگرانی ندارد، آنها در وقتش حتی از خوش و بش با سران ارمنی ها ابایی ندارند؛ نگرانی اصلی آنها، مذهب تشیع و فرهنگ ایرانی است و از همین روست که سیاست اسلام ستیزی و ایران ستیزی به دو رکن اصلی سیاستهای دولت آذربایجان تبدیل شده است. سیاست اسلام ستیزی که نماد امروزین آن؛ ممنوعیت رسمی حجاب اسلامی در مدارس متوسطه و ممنوعیت غیر رسمی آن در همه مراکز دولتی و نیز حبس بیش از یکصد روحانی و فعال دینی آذری به جرم اعتراض به سیاستهای ضد اسلامی است و سیاست ضد ایرانی که آخرین نمودش در اولین روزهای نوروز ایرانی طی نشست موسوم به «فردای آذربایجان ج ن و ب ی معاصر» تبلور یافت.

در این نشست که روز شنبه، 10 فروردین ماه 1392، در سالن دان اولدوز هتل "پارک این" باکو برگزار شد، قدرت حسنی اف نماینده مجلس جمهوری آذربایجان، به همراه فعالان گروهک تجزیه طلب داک (باصطلاح کنگره آذربهای جهان) و جبهه (خود خوانده) آزادی ملی آذربایجان ج ن و ب ی از جمله عناصر ضد انقلاب فراری نظیر غلامرضا صبری تبریزی، سونا دانشور و تعدادی دیگر از قومگرایان فراری از ایران، فعالان برخی از احزاب نظیر مساوات و جبهه خلق، تعدادی از صاحب نظران جمهوری آذربایجان از جمله وفا قلی زاده مشاور سیاسی رئیس جمهوری سابق آذربایجان و نصیب نصیب لی سفیر اسبق جمهوری آذربایجان در تهران و... حضور داشتند.

در این نشست سفارشی سخنرانان با طرح ادعاهای تجزیه طلبانه علیه ایران و نام بردن از آذربایجان ایران با اصطلاح معقول "آذربایجان ج ن و ب ی"، بر لزوم جدایی آذربهای ایران و حمایت بیشتر دولت باکو از این روند تاکید و دولت ایران را به نقض حقوق آذری های ایران متهم ساختند.

«دولت ایران در داخل بحران، مسایل و چشم انداز نهضت ملی آذربایجان ج ن و ب ی، سرکوب ها علیه فعالان ملی! و خواسته های مان از جمهوری آذربایجان!» از جمله موضوعات سخنرانیها بود. در این نشست تعدادی کتاب قومگرایانه و شماره های نشریه تجزیه طلب گونین سسی (صدای جنوب) در بین شرکت کنندگان توزیع شد که در پشت جلد یکی از آنها به یکی از مقامات عالی رتبه نظام توهین شده بود.

این نشست ضد ایرانی علاوه بر اینکه موضع گیری وزارت امور خارجه و احضار سفیر جمهوری آذربایجان را در پی داشت؛ برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نیز تعدادی از رسانه ها و روزنامه نگاران ایرانی را به عکس العمل واداشت.

شاید بازتاب برگزاری این نشست در ایران، دست اندرکاران برگزاری آن را متوهم نموده و ذهن آنان را به اهمیت اقدامی که کرده اند سوق دهد، در حالی که اساسا برگزاری چنین نشستهای بی خاصیتی که نه اولین بار و نه آخرین بار آن بوده کمترین تاثیری در بین آذری های ایران ندارد، جز اینکه سرنوشت شوم خیانت به کشور را یاد آور می شود که چه سان انسان را دچار ذلت می نماید تا دست یاری به سوی کسانی دراز نماید که خود آنان سالهاست از بازپس گیری سرزمین اشغال شده شان عاجز بوده و دستشان برای بقا در دست صهیونیستهایی است که امروزه مورد نفرت عمومی ملتها هستند.

بایستی راز اعتراضات صورت گرفته در ایران نسبت به برگزاری این نشست را در دو مقوله جستجو نمود:

نخست عرف دیپلماتیک بین کشورها که اتفاقا مدام دولتمردان آذری، خود را مقید به آن دانسته و از کشورهای دیگر از جمله ایران؛ گاه عاجزانه و گاه با گستاخانه رعایت آن را خواستارند؛ حال اعتراض وزارت امور خارجه و احضار سفیر این کشور در تهران؛ یاد آوری این موضوع به دستگاه دیپلماسی آذربایجان است که عرف و مقررات بین المللی مقوله ای در طرفه بوده و انتظار رعایت آن از سوی کشوری بدون عامل بودن به آن انتظاری عبث است. گر چه مقامات سیاسی ایران تا کنون با خویشتن داری حتی از مجموعه ها و موسسات غیر دولتی نیز خواسته اند تا از واکنش متناسب با سیاستهای ضد ایرانی دولت باکو خودداری نمایند اما بی شک تداوم این سیاست ها می تواند کاسه صبر دانشگاه ها و مراکز علمی و موسسات فرهنگی مناطق آذری نشین را لبریز نماید.

ثانیا، ناخرسندی نمایندگان مجلس و نیز اهالی رسانه مناطق آذری نشین ایران از برگزاری نشست یاد شده و عموما سیاستهای ضد ایرانی باکو، آگاهی آنان از اهداف پشت پرده چنین سیاستهایی است. در حقیقت هدف اصلی این سیاستها نه آذری های ایران بلکه آذری های خود جمهوری آذربایجان است که امروزه با مشکلات فراوانی رو به رو هستند: اشغال بیست درصد خاک آذربایجان و آوارگی حدود یک میلیون مسلمان آذری و وضعیت معیشتی فوق العاده نامطلوب آنان؛ ناکارایی سیستم بهداشتی و درمانی آذربایجان که سبب سرازیر شدن سیل بیماران آذری به مراکز درمانی ایران می شود، رواج رشوه و سیستم فاسد اداری که قیامهایی نظیر قیام قوبا و اسماعیلی را در پی داشته و بخشهایی از فساد موجود مانند خرید و فروش کرسی پارلمان در افشاء گریهای اخیر مشخص شده است، افزایش معضلات اجتماعی مانند گسترش فحشاء و قاچاق دختران و زنان آذری که حتی اعتراض رسانه های آذری را در پی داشته است، وضعیت نامساعد اقتصادی مردم که انبوه آذری ها را حتی برای تهیه ارزاق مورد نیاز روزانه راهی جلفا و بیله سوار و آستار می کند، مشکلات ارتش آذربایجان مانند افزایش دوپست درصدی خودکشی ها و قتل سربازان، نابرابریهای قومی، محدودیتهای دینی، نقض فاحش حقوق بشر که حتی اعتراض نهادهای حقوق بشری اروپا را در پی داشته است، فساد اقتصادی مسئولین آذری و... تنها گوشه هایی از مشکلات مردم آذربایجان هستند که دولتمردان آذری تلاش می کنند همه آنها را در سایه اقدامات قوم گرایانه مخفی نگاه دارند و به صورت غیر مستقیم اذهان مردم این کشور را متوجه این نکته کنند که تحمل این مشکلات هزینه استقلال آنهاست. طبیعی است دولت آذربایجان برای پیشبرد این سیاست نیازمند دشمن سازی است که در این راستا گروه های قوم گرای آذری و چند نفر ضد انقلاب فراری ایرانی، ماموریت معرفی ایران و فارس ها به عنوان دشمنان استقلال آنها را بر عهده گرفته اند و در این میان مردم رنج کشنده جمهوری آذربایجان که در محاصره تبلیغات ضد ایرانی رسانه های غیر اخلاقی و بی انصاف آذری قرار گرفته اند از دریافت حقایق موجود محروم می مانند.

اعتراض به برگزاری چنین نشستهایی در باکو در حقیقت اعتراض به تداوم اشغال قره باغ و تداوم مظلومیت مسلمانان آذری است که از دوپست سال تا کنون سرنوشت غم انگیزی داشته اند، اعتراض به سیاستهای ضد ایرانی باکو در حقیقت اعتراض به سیاستهای ضد انسانی جمهوری آذربایجان در قبال آذری ها، تالشها، لرگی ها و... این کشور است و گر نه ایرانی که بیش از سه دهه است در مقابل کدخدای خود خوانده دهکده جهانی سر تعظیم فرود نیاورده است چه باکی از سیاست ضد ایرانی کشوری نوظهور و کوچک دارد.

ایران و ایرانی حتی در موقع گستاخی قوم گرایان آذری و حمایت مستقیم و غیر مستقیم دولت جمهوری آذربایجان از این گستاخان از یاد نمی برد که قره باغ خاک اسلام است و باید آزاد شود، از یاد نمی برد که مسلمانان جمهوری آذربایجان امروز در معرض محدودیتهای فراوان دینی و انسانی هستند و این محدودیتها باید پایان یابند، فراموش نمی کند که امروز استقلال آذری های جمهوری آذربایجان در نتیجه نفوذ صهیونیستها و کشورهای غربی رنگ باخته است و باید استقلال واقعی آنان اعاده شود و البته فراموش نمی کند که حق آذری های این کشور است که از تاریخ گذشته به

